

لوح مبارک درباره انقطاع

حضرت بهاء الله

اصلى فارسى



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانى، جلد 4

باب دوازدهم - لوح مبارک درباره انقطاع

جمال مبارک در یکی از الواح میفرماید قوله تعالى : “ ثم اعلم بان نصب بیننا و بین العباد سلم و له ثلاث درجات الاولى تذکر بالدنیا و زخرفها و الثانية بالآخرة و ما قدر فیها و الثالثة تذکر بالاسماء و ملکوتها و من جاز عن هذه المقامات یصل الی ملک الاسماء و الصفات اقرب من حین ایاکم یا اهل البهاء لا تعطلوا انفسکم علی هذه المواقف ثم مروا عنها کمر السحاب و كذلك ینبغی لعبادنا المقربین ” انتهى

و نیز در لوح هادی میفرماید : “ سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوى الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء در آنچه مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذکر او محبوب نماید باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد او است انقطاع و مبدأ و منتهای آن ” انتهى

و نیز میفرماید قوله تعالى : “ ثم اذکر النعمان الذی کان من اعز الملوک و من قبله احد من الکیان اذ تجلت علی قلبهما شمس الانقطاع ترکا ما عندهما و خرجا عن بیتهما مقبلین الی العراء و ما اطلع بهما الا الله العلیم ان النعمان کان مستویا علی عرش الملک اذ اسمعناه کلمة من کلهاقی العلیا اهتز و تفکر و تحیر ثم انتبه و قام و قال مخاطبا الی نفسه لا خیر فیما ملکته الیوم و غدا یملکه غیرک كذلك نهناء و انا المقتدر القدر فلما تنفس الصبح و طلع الشمس و جد الامراء العرش متروکا تحيروا و تفحصوا فی الاقطار الی ان یئسوا عما املوا انه هو العالم الخبیر لعمر الله لو نکشف الغطاء عن العیون کما کشفنا عنه لتری الناس یدعون الدنیا عن ورائهم و یتروکون ما یمنعهم عن



ORIGINAL

هذا الافق المنير طوبى لمن تنور بانوار الانقطاع انه من اهل السفينة الحمراء لدى الله رب العرش العظيم طوبى لمدينة اشرفت شمس الانقطاع من افقها و لارض اضئت من انوارها لعمرى لو فازت هذه الديار بنور من اشراقها لما بلى البهاء بين الاعداء كذلك يقص لك مالک الاسماء لتكون من العارفين” انتهى

و نیز میفرمایند قوله تعالى : “ هو العزيز الجمیل اگر چه جمیع ایام را از بدایع فضلش نصیبی علی ما هی علیه عنایت فرمود و لکن ایام ظهور را مقامی فوق ادراک مدرکین مقرر داشته چنانچه اگر جمیع قلوب من فی السموات و الارض در آن ایام خوش صمدانی بآن شمس عز ربانی مقابل شوند و توجه نمایند جمیع خود را مقدس و منیر و صافی مشاهده نمایند فتعالی من هذا الفضل الذی ما سبقه من فضل فتعالی من هذه العناية التي لم يكن لها شبه في الابداع و لا لها نظير في الاختراع فتعالی عما هم يصفون او يذكرون اینستکه در آن ایام احدی محتاج باحدی نبوده و نخواهد بود چنانچه ملاحظه شد که اکثری از قاصدین حرم ربانی در آن یوم الهی بعلم و حکمتی ناطق شدند که بحر فی از آن دون آن نفوس مقدسه اطلاع نیافته و نخواهد یافت اگر چه الف سنه بتعلیم و تعلم مشغول شوند اینستکه احبای الهی در ایام ظهور شمس ربانی از کل علوم مستغنی و بی نیاز بوده اند بلکه ینابیع علم و حکمت از قلوب و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساری است و بعد سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء از آنچه در مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذکر او محبوب ننماید چنانچه مشهودا ملاحظه میشود که اکثری از ناس الیوم تمسک بزخارف فانیه و تشبث باسباب باطله جسته و از نعیم باقیه و اثمار شجره مبارک که محروم گشته اند اگر چه سالک سبل حق بمقامی فائز گردد که جز انقطاع مقامی و مقری ملاحظه ننماید و لکن این مطلب را ذکر ترجمان نشود و قلم قدم نگذارد و رقم نزند ذلک من فضل الله يعطيه من يشاء باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد اوست انقطاع و مبدأ و منتهای آن اذا نسئل الله بان ينقطعنا ممن سواه و یرزقنا لقاءه انه ما من اله الا هو له الامر و الخلق یهب ما یشاء لمن یشاء و انه کان علی کل شیء قدیر” انتهى

و نیز در لوح علی نازل قوله تعالى : “ فاعلم بانا جعلنا قلوب الذین هم انقطعوا عن الدنيا و توجهوا الی شطر اسمی الابهی زیر الحديد بحيث لن یخافنهم شیء عما خلق بین السموات و الارض و هم قسورة آجام القدرة و القوة و قد سلسلهم الله بسلاسل العصمة و لو شاء لیطلقهم بامر من عنده و یسخر بهم کل من فی السموات و الارض و انه لعلی کل شیء قدیر” انتهى